

1389/10/07

بازخوانی حماسه نه دی به مثابه مناسک سیاسی

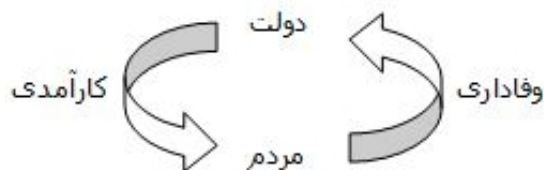
ما ایرانی‌ها از ابتدای انقلاب حضور مردم را در مقاطع حساس لمس کرده‌ایم، به طوری که این حضور و رفتار سیاسی جزئی از باورهای ما شده است. اما حماسه نهم دی‌ماه سال گذشته بار دیگر چشم‌ها را به سوی خود خیره کرد. حضور حماسی مردم در این روز، آغازی بود بر پایان چندین ماه فتنه‌انگیزی در کشور. رهبر انقلاب در دیدار سال گذشته مردم قم با اشاره به این رویداد مهم خاطرنشان کردند: «نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمنده که ناگهان با یک حرکت - که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دی قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته از بصیرت است، از دشمن‌شناسی است، از وقت‌شناسی است، از حضور در عرصه‌ی مجاهدانه است - روز نهم دی را هم متمایز می‌کنند. مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند.» یادداشت زیر به توضیح این پدیده و نظائر آن تحت عنوان «مناسک سیاسی» پرداخته است:

جرخه کارآمدی و وفاداری

«مشروعیت» و به‌ویژه چرایی و چگونگی افزایش و کاهش آن، امروزه به فصلی جدی و جذاب در دانش سیاسی تبدیل شده است. در این میان، کانون گفت‌وگو پیرامون مشروعیت نظام سیاسی یا دولت و دگرگونی‌های آن را باید توجه به افکار عمومی و میزان «اعتماد» و رضایت مردم نسبت به دولت دانست. در این چارچوب، دولت‌ها برای تثبیت مشروعیت خود، باید کارآمدی خویش را به مردم نشان دهند؛ آنگاه دولت‌ها می‌توانند «وفاداری» مردم نسبت به خویش را انتظار داشته باشند.

بر این اساس، هرچه ماهیت و عملکرد یک نظام سیاسی نزد افکار عمومی مقبول‌تر باشد و اعتماد و رضایت بیشتری نسبت به آن وجود داشته باشد، این امر خود را در قالب افزایش مشارکت سیاسی و حمایت مردمی از آن می‌دهد. از سوی دیگر اگر دولت‌ها از پس اقناع مردم درباره برنامه‌ها و سیاست‌های خود برنیایند و دچار گسست‌های حمایتی شوند، مشروعیت آن‌ها کاهش می‌یابد. چنین نظام‌های سیاسی را اصطلاحاً «دولت ورشکسته» می‌نامند که در آستانه فروپاشی قرار دارند.

از سوی دیگر هرچه فاصله و شکاف میان دولت و ملت کمتر بوده و دولت، اعتماد و مشارکت بیشتری را به عنوان پشتوانه خود داشته باشد، در عرصه‌های داخلی و خارجی قدرتمندتر ظاهر می‌شود و می‌تواند اهداف ملی را با هزینه کمتری تأمین کند و کارآمدی بیشتری از خود نشان دهد. بنابراین، مشروعیت و کارآمدی ارتباطی دوسویه و هم‌افزایانه دارند.



جرخه کارآمدی و وفاداری میان دولت و ملت

انتخابات و مناسک سیاسی

با آن‌که تأثیر متقابل کارآمدی نظام سیاسی و وفاداری مردم روشن به نظر می‌رسد، چگونگی ارزیابی و اندازه‌گیری میزان اعتماد عمومی - به عنوان عنصر تعیین‌کننده در این ارتباط دوسویه - همیشه با ابهام‌هایی همراه بوده و همچنان محل بحث و تبادل نظر است.

بیشتر نظریات سیاسی، روشن‌ترین سنجه ارزیابی و آشکارترین جلوه‌گاه اعتماد عمومی را برگزاری انتخابات و میزان مشارکت مردم در آن می‌دانند. در واقع مردم با مشارکت خود در یک انتخابات آزاد، نشان می‌دهند که تا چه اندازه به نظام سیاسی خویش اعتماد دارند؛ همان‌گونه که دولت‌ها با برگزاری انتخابات و سامان‌دهی رقابت‌ها، میزان اعتماد خود به مردم را مشخص می‌سازند.

با این حال، مشارکت در انتخابات، تنها شاخص سنجش اعتماد عمومی نیست و جامعه‌شناسان سیاسی در این رابطه از معیارهای دیگری نیز سخن گفته‌اند. از جمله این معیارها، مفهومی نسبتاً جدید است که «مناسک سیاسی» خوانده می‌شود و

در جریان مناسک سیاسی، مردم با حضور وسیع، متراکم و منظم خود در یک بازه زمانی محدود در سطح خیابان‌های شهر، نسبت به پدیده‌ها یا روندهای سیاسی، واکنش نشان می‌دهند و مستقیم و بی‌واسطه در امر سیاسی مشارکت می‌کنند. برجسته‌ترین و فراگیرترین نمونه این‌گونه مناسک که در برخی از جوامع مدرن امروزی نیز دیده می‌شود، جشن سالروز استقلال کشورها است.

هرچه حضور مردم در مراسم و مناسک سیاسی بیشتر باشد، نشان‌دهنده مشروعیت سمبلیک یک نظام سیاسی در کنار مشروعیت دموکراتیک آن است که از طریق انتخابات و مشارکت مردم در آن نمایان می‌شود. حضور مردم در این‌گونه مناسک، همچنین نشانه‌ای از همبستگی اجتماعی، تداوم هویت ملی و وفاداری سیاسی نسبت به دولت است.¹

با این حال مناسک سیاسی آنچنان که باید و شاید در مطالعات سیاسی و جامعه‌شناسی مورد توجه قرار نگرفته است. شاید بتوان مهم‌ترین دلیل این مسأله را بستر شکل‌گیری و رشد مفاهیم و نظریات سیاسی معاصر دانست که اغلب در جوامع غربی و متناسب با واقعیات و تحولات آن بوده است. مناسک سیاسی در این جوامع، یا کمتر در عرصه واقعیت اجتماعی دیده می‌شود و یا نمود آن در برابر انتخابات، کم‌رنگ است.

مردم‌سالاری دینی

جمهوری اسلامی ایران را به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، باید پدیده‌ای تازه و شایسته بررسی ویژه در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی تلقی نمود. درباره سرشت اسلامی و ساختار و پراکندگی ویژه قدرت در ایران پس از انقلاب اسلامی، تحلیل‌های گوناگونی مطرح شده است. اما بیشتر دیدگاه‌های موجود، از درک ماهیت ویژه و ملاحظات خاص جامعه و سیاست ایران غافل بوده و در چارچوب گفتمان‌های غربی و شرقی، کوشیده‌اند با استفاده از مفاهیم و نظریات موجود در فرهنگ واژگان غربی، به تبیین واقعیات و تحولات ایران در این دوران بپردازند.

تنها رهیافت بومی در این زمینه را می‌توان ارائه نظریه «مردم‌سالاری دینی» دانست. مردم‌سالاری دینی به عنوان یک مفهوم سیاسی جدید که مبتنی بر مطالعه تجربه ایران در دوران جمهوری اسلامی است، گرچه از پشتوانه انباشت علمی فراوانی برخوردار نیست² اما در برخی زمینه‌ها مانند تبیین رابطه دولت و ملت و کارآمدی دولت و مشروعیت آن، حرف‌های تازه‌ای برای گفتن دارد که درخور بررسی و پرداخت بیشتر از سوی جامعه علمی است.

از جمله ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی، نگاه منحصر به فرد آن نسبت به چگونگی ارزیابی مشروعیت نظام سیاسی در جامعه اسلامی است. برای نمونه رأی مردم و مشارکت آنها در انتخابات به عنوان یکی از راه‌های سنجش میزان اعتماد عمومی و مشروعیت مردمی دولت، در ایران پس از انقلاب اسلامی مینا و معنای متفاوتی دارد که فراتر از حدود قراردادی آن در نظریات سیاسی غربی است.

«نیاید اشتباه شود؛ این مردم‌سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ این‌طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه. خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است.»³

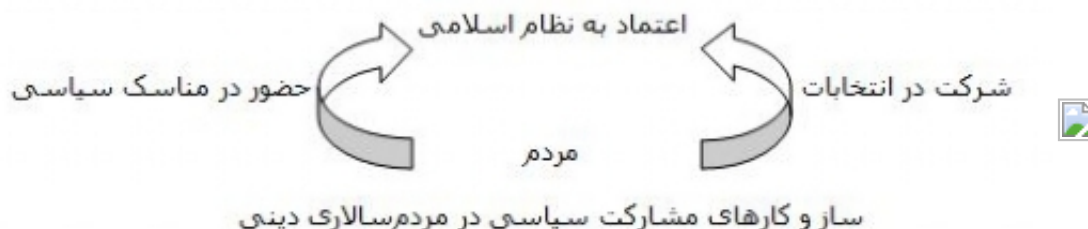
«مردم‌سالاری در نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی به نظر اسلام متکی است؛ فقط یک قرارداد عرفی نیست. مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، در آن‌جایی که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ لذا تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. مثل کشورهای دموکراتیک غربی نیست که یک قرارداد عرفی باشد تا بتوانند به راحتی آن را نقض کنند. در نظام جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری یک وظیفه دینی است.»⁴

مردم ایران در سال گذشته، نه تنها نصاب بی‌نظیری از مشارکت سیاسی را به ثبت رساندند که دست‌یابی به آن برای مردم‌سالاری‌های دیگر در جهان امروز به سختی قابل تصور است، بلکه اهمیت فزاینده مناسک سیاسی به عنوان یکی از سنج‌های ارزیابی اعتماد عمومی نسبت به نظام سیاسی را نیز نمایان ساختند.

آنچه باعث پایان یافتن چندین ماه چالش سیاسی و امنیتی به دنبال برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری شد، حضور جالب توجه مردم در مناسک سیاسی 9 دی 1388 بود که پیام روشنی برای مدعیان تقلب در انتخابات 22 خرداد داشت.

همچنین در نظریه مردم‌سالاری دینی، انتخابات تنها معیار سنجش مشروعیت نظام سیاسی نیست. از آنجا که مناسک سیاسی پس از انقلاب اسلامی به صورت یکی از برجسته‌ترین واقعیات سیاسی جامعه ایران درآمده که در قالب‌های مختلف، به‌طور منظم و در سطحی وسیع برگزار می‌شود، از لحاظ نظری نیز اهمیت بیشتری یافته و در کنار انتخابات، به عنوان یکی از شاخص‌های اعتماد عمومی و مقبولیت دولت مطرح شده است.

«انتخابات مظهر حضور مردم است؛ همچنان که حضور در راهپیمایی بیست‌ودوم بهمن، یکی از مظاهر حضور مردمی است. دشمن و دستگاه‌های استکباری از انتخابات شما و از راهپیمایی‌تان در بیست‌ودوم بهمن می‌ترسند؛ بنابراین از همه‌ی نیروی خود استفاده می‌کنند، شاید بتوانند انتخابات و حضور مردم و رأی آزاد و دخالت مردم در سرنوشت خود را از این ملت و از این کشور بگیرند.»⁵



ایران 88 و اعتماد عمومی

سال 1388 بی‌شک یکی از پرچالش‌ترین بازه‌های زمانی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تاکنون بوده است. رقابت‌های جدی و شفاف نامزدها و مشارکت فراگیر مردم در جریان انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری، نشان‌گر افزایش اعتماد مردم به نظام سیاسی و در نتیجه میزان بالای مشروعیت جمهوری اسلامی بود، اما طرح ادعای تقلب گسترده از سوی برخی نامزدها و پذیرش اولیه آن از جانب بخشی از هواداران آنها، این پدیده چشم‌گیر را به حاشیه راند. به‌ویژه هنگامی که با خروج از ساز و کارهای قانونی پیش‌بینی شده برای پیگیری تخلفات احتمالی، اعتراضات به عرصه خیابان‌های تهران کشیده شد و زمینه مناسبی برای مانور تبلیغاتی رسانه‌های بیگانه فراهم نمود.

در حالی که مشارکت سیاسی بی‌مانند ایرانیان در انتخابات دهم ریاست‌جمهوری، می‌توانست به عنوان ثبت نصابی دست‌نیافتنی مورد توجه قرار گیرد و اعتماد عمومی نسبت به نظام اسلامی و مشروعیت آن را به رخ دموکراسی‌های رقیب بکشد، ادعای تقلب در انتخابات و پیامدهای آن باعث شد تا اعتماد مردم به جمهوری اسلامی به چالش کشیده شود و ارزیابی مشروعیت دولت نظام سیاسی ایران دشوار بنماید.

در چنین شرایطی آنچه باعث پایان یافتن چندین ماه چالش سیاسی و امنیتی به دنبال برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری شد، حضور جالب توجه مردم در مناسک سیاسی 9 دی 1388 بود که پیام روشنی برای مدعیان تقلب در انتخابات 22 خرداد داشت. با گذشت ماه‌ها از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، مهار اعتراضات خیابانی، آشکارا از دست نامزدهای شکست‌خورده خارج شده بود؛ گرچه آنها همچنان حضور خیابانی طرفداران را به سود خود و برای فشار بر دولت، مغتنم می‌شمردند. از این رو سران معترض به نتیجه انتخابات، نه تنها هیچ واکنشی نسبت به اقدامات برخی هواداران خود- که اهانت به ارزش‌ها و نمادهای دینی و سیاسی مورد احترام ایرانیان را دربرداشت- نشان نمی‌دادند بلکه در بسیاری از موارد به توجیه آن می‌پرداختند. اوج این اهانت‌ها که با حمایت سران فتنه همراه بود، در روز عاشورای 1388 رخ داد که طی آن به آئین عزاداری سالار شهیدان جسارت شد و عزاداران حسینی مورد ضرب و شتم معترضان خیابانی قرار گرفتند.

واکنش عمومی مردم نسبت به حوادث روز عاشورا بسیار گسترده و فراتر از حد تصور بود. تنها سه روز بعد، واکنش هماهنگ و یکپارچه مردم، نه فقط در تهران بلکه در سراسر ایران و در قالب برپائی راهپیمائی گسترده علیه اقدامات اهانت‌آمیز فتنه‌گران جلوه‌گر شد که طی آن، محکومیت سران معترض- به عنوان زمینه‌سازان بروز این‌گونه ناهنجاری‌ها- به اوج خود رسید.

اهمیت فزاینده مناسک سیاسی

پرونده هشت ماه چالش پس از برگزاری دهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، به فاصله چند روز پس از 9 دی و در مناسک سیاسی دیگری که هر ساله برای بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی برگزار می‌شود، با حضور گسترده مردم و محکومیت هرگونه حرکت سیاسی خارج از چارچوب‌های نظام اسلامی، بسته شد.

از آنجا که مناسک سیاسی پس از انقلاب اسلامی به صورت یکی از برجسته‌ترین واقعیات سیاسی جامعه ایران درآمده که در قالب‌های مختلف، به‌طور منظم و در سطحی وسیع برگزار می‌شود، از لحاظ نظری نیز اهمیت بیشتری یافته و در کنار انتخابات، به عنوان یکی از شاخص‌های اعتماد عمومی و مقبولیت دولت مطرح شده است.

گرچه فتنه 88 برخی تجربه‌های تلخ و تبعات ناگوار را برای جامعه ایران دربرداشت اما مشارکت حداکثری در انتخابات 22 خرداد ریاست‌جمهوری و حضور حماسی در 9 دی برای پایان دادن به فتنه، به عنوان نقاطی روشن در کارنامه مردم ایران و حافظه جمعی آنها از رخداد‌های سال 1388 برجای خواهد ماند.

مردم ایران در این سال، نه تنها نصاب بی‌نظیری از مشارکت سیاسی را به ثبت رساندند که دستیابی به آن برای مردم‌سالاری‌های دیگر در جهان امروز به سختی قابل تصور است، بلکه اهمیت فزاینده مناسک سیاسی به عنوان یکی از سنجه‌های ارزیابی اعتماد عمومی نسبت به نظام سیاسی را نیز نمایان ساختند. این موضوع می‌تواند درآمد خوبی برای بررسی‌های بیشتر پیرامون مفهوم مناسک سیاسی و جایگاه آن در نظریه مردم‌سالاری دینی و نیز شناختی بهتر از واقعیات و تحولات سیاسی ایران در دوران جمهوری اسلامی باشد.

پی‌نوشت:

1. برای آگاهی بیشتر درباره مفهوم مناسک سیاسی، نگاه کنید به: راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی؛ جلد دوم؛ پژوهشکده مطالعات رهبردی؛ 1388
2. این کمبود در زمینه پشتوانه و انباشت علمی، بیش از هرچیز به سایه انداختن گفتمان و اندیشه‌های غربی بر محافل علمی و دانشگاهی ایران بازمی‌گردد که از جمله موجب عقب‌ماندگی علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و سیاسی نسبت به واقعیات جامعه ایران به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی شده است. ضرورت جنبش نرم‌افزاری و تولید علم و نیز تحول در علوم انسانی از همین واقعیت سرچشمه می‌گیرد.
3. سخنان رهبر انقلاب در 12 آذر 1379
4. سخنان رهبر انقلاب در 14 خرداد 1381
5. سخنان رهبر انقلاب در 15 بهمن 1382

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی